

Content Analysis of Sermon 127 of *Nahj al-Balagha* Based on John Searle's Speech Act Theory

Fatemeh Abdollahinia

Department of Arabic Language and Literature, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
ftme.abdollahi1354@gmail.com

Abstract

The theory of "speech acts" is considered one of the significant topics in discourse analysis within the field of linguistics, initially proposed by "Austin" and later developed by "Searle," who introduced a fivefold classification including assertives, expressives, directives, commissives, and declaratives. This theory facilitates a more precise analysis of religious texts in their social-historical contexts by examining language as a tool for performing actions. Sermon 127 of *Nahj al-Balagha*, delivered in response to the extremism of the *Khawarij* and the political and social crises of the era of Imam Ali (peace be upon him), contains various speech acts that reveal the communicative goals and rhetorical strategies of the Imam. The present study employs a descriptive-content analysis methodology, utilizing situational context and statistical methods to analyze the aforementioned sermon based on Searle's speech act theory. The findings of the study indicate that assertive acts are most frequently dedicated to elucidating the positions of Imam Ali (peace be upon him) and addressing the doubts posed by the *Khawarij*. Directive acts serve to guide and advise the audience, while expressive acts reflect the Imam's (peace be upon him) concern and disgust regarding the extremism of the *Khawarij*. This analysis demonstrates that the sermon is not merely a literary text but a purposeful discourse aimed at social reform and countering divisiveness. The results of this research reinforce the application of speech act theory in the analysis of religious texts and open new horizons for understanding the rhetorical strategies of *Nahj al-Balagha*.

Keywords: *Nahj al-Balagha*, John Searle's Speech Act Theory, Discourse Analysis, *Khawarij*, Assertive Acts.

Received: 2024/07/07 ; Received in revised form: 2024/07/30 ; Accepted: 2024/08/23 ; Published online: 2024/10/01

<https://doi.org/10.71914/lrit.2024.10221196244>

© The Author(s).

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University



<https://sanad.iau.ir/journal/LRIT>

تحلیل محتوای خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه بر اساس نظریه کنش گفتاری «سرل»

فاطمه عبدالهی‌نیا

گروه زبان و ادبیات عربی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. ftime.abdollahi1354@gmail.com

چکیده

نظریه «کنش گفتاری» یکی از مباحث مهم تحلیل گفتمان در حوزه دانش زبان‌شناسی به‌شمار می‌رود که در آغاز توسط «آستین» مطرح شد و سپس «سرل» با ارائه طبقه‌بندی پنج‌گانه‌ای شامل کنش‌های اظهار، عاطفی، ترغیبی، تعهدی و اعلامی آن را توسعه داد. این نظریه با بررسی زبان به‌عنوان ابزاری برای انجام کنش‌ها، امکان تحلیل دقیق‌تر متون دینی را در بستر اجتماعی-تاریخی فراهم می‌آورد. خطبه ۱۲۷ نهج‌البلاغه، که در پاسخ به افراط‌گرایی خوارج و بحران‌های سیاسی و اجتماعی دوران امام علی(ع) ایراد شده است، حاوی کنش‌های گفتاری متنوعی است که اهداف ارتباطی و استراتژی‌های بلاغی امام را آشکار می‌سازد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیل محتوا و بافت موقعیتی متن و با بهره‌گیری از روش آماری، خطبه مذکور را براساس نظریه کنش گفتاری سرل مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کنش‌های اظهار با بیشترین فراوانی به تبیین مواضع امام علی(ع) و پاسخ به شبهات خوارج اختصاص یافته‌اند. کنش‌های ترغیبی در راستای هدایت و نصیحت مخاطبان و کنش‌های عاطفی بازتاب‌دهنده نگرانی و انزجار امام(ع) از افراط‌گرایی خوارج هستند. این تحلیل نشان می‌دهد که خطبه مذکور نه تنها یک متن ادبی، بلکه یک گفتمان هدفمند برای اصلاح اجتماعی و مقابله با تفرقه‌افکنی است. نتایج این پژوهش، کاربرد نظریه کنش گفتاری در تحلیل متون دینی را تقویت کرده و افق‌های جدیدی برای فهم استراتژی‌های بلاغی نهج‌البلاغه می‌گشاید.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، نظریه کنش گفتاری، سرل، تحلیل گفتمان، خوارج، کنش‌های اظهار.

استاد به این مقاله: عبدالهی‌نیا، فاطمه (۱۴۰۳). تحلیل محتوای خطبه ۱۲۷ نهج‌البلاغه براساس نظریه کنش گفتاری «سرل». پژوهش‌های

زبان‌شناختی متون اسلامی، ۳۱(۳)، ص ۲۳-۴۶. <https://doi.org/10.71914/lrit.2024.10221196244>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

نظریه کنش گفتاری، به عنوان یک ابزار تحلیلی قدرتمند، امکان درک عمیق تری از تعامل میان زبان، کنش و زمینه را فراهم می آورد و تحلیل متون را به مثابه کنش های ارتباطی هدفمند در بستر اجتماعی-تاریخی ممکن می سازد. این رویکرد، به ویژه در تحلیل متونی چون نهج البلاغه، کلام امام علی (ع) را نه صرفاً به عنوان گفتارهایی توصیفی، بلکه به عنوان کنش هایی هدفمند با نیت خاص و استراتژی های بلاغی عمیق معرفی می کند. در این میان، اقتدار امام به عنوان رهبر دینی-سیاسی، نقشی کلیدی در موفقیت این کنش های ارتباطی ایفا می کند. چنین تحلیلی، با بهره گیری از نیروی ایلوکوشنری^۱، می تواند لایه های پنهان نیت و شرایط موفقیت این بیانات را آشکار سازد. برای مثال، در خطبه ۱۲۷ عبارت هایی همچون «فَأَقْتُلُوهُ» به روشنی یک کنش دستوری و اعلامی است که علاوه بر بیان حکم، اراده و قاطعیت امام را نیز نمایان می سازد؛ یا پرسش های بلاغی ایشان در مواجهه با خوارج، فراتر از یک پرسش ساده، حاوی لایه های عمیق نیت ورزانه همچون سرزنش و ترغیب هستند. بررسی این موارد نشان می دهد که زبان در نهج البلاغه به گونه ای فعال و کارکردی به کار رفته که تحلیل آن براساس نظریه کنش گفتاری سرل، بینش های ارزشمندی را فراهم می آورد و این کاربرد هدفمند زبان در لسان امیرالمؤمنین (ع) مسبوق به سابقه است.

با این حال، مطالعه دین و متون دینی، از جمله تحلیل نهج البلاغه، همواره با چالش های روش شناختی روبه رو بوده است. تعاریف عینیت گرایانه و روش های پوزیتیویستی که برای دهه ها بر مطالعات دینی حاکم بودند، به دلیل ناتوانی در درک ابعاد پیچیده و چندلایه دین، با انتقاداتی مواجه شده اند. هرچند نظریه ها و روش های جایگزین، ظهور کرده اند؛ اما همچنان فاقد قواعد دقیق و شفاف هستند. این چالش روش شناختی، از یک دوراهی اساسی ناشی می شود: تلاش برای افزایش دقت علمی در پژوهش، در حالی که موضوع دین اغلب از بررسی تجربی می گریزد. در این میان، نظریه کنش گفتاری می تواند به عنوان پلی میان تحلیل های زبانی و رویکردهای میان رشته ای، ابزاری کارآمد برای فهم ابعاد ارتباطی و زمینه مند متون دینی ارائه دهد (وثنو،^۲ ۲۰۱۱، ص ۶). این تنش میان آرمان های علمی و ماهیت تفسیری پدیده های دینی، برخی از پژوهشگران را به سمت روش شناسی های علوم اجتماعی سوق می دهد؛ در حالی که دیگران، رویکردهای مبتنی بر علوم انسانی را ترجیح می دهند و بدین ترتیب، مناظره ای مداوم میان تبیین و تفسیر ایجاد می شود. تحلیل گفتمان می تواند پلی بالقوه برای عبور از این شکاف روش شناختی باشد. اصطلاح «تحلیل گفتمان»،

1. Illocutionary force

2. Wuthnow

طیف وسیعی از فعالیت‌های پژوهشی را دربرمی‌گیرد که توسط وترل^۱ (۲۰۰۱، ص ۳۸۲) به‌عنوان تحلیل مکالمه، روانشناسی گفتمانی، پژوهش فوکویی، تحلیل گفتمان انتقادی و زبان‌شناسی انتقادی، جامعه‌شناسی زبان تعاملی، قوم‌نگاری گفتار و پژوهش باختینی، طبقه‌بندی شده‌اند. این رویکردهای متنوع، با بنیان مشترکشان در برساخت‌گرایی اجتماعی (یورگنسن و فیلیپس^۲، ۲۰۰۲، ص ۴) و هدف مشترکشان در ردیابی ارتباطات تبیینی میان کاربرد زبان و واقعیت اجتماعی (فرکلاف^۳، ۱۹۹۲، ص ۷۲) متحد می‌شوند.

با وجود جایگاه تثبیت شده و اهمیت تحلیل گفتمان در رشته‌های مختلف دانشگاهی (کالداس-کولتارد و کولتارد^۴، ۱۹۹۶؛ گرانت و همکاران^۵، ۲۰۰۴، ص ۵۶؛ هولشتاین و گابریوم^۶، ۲۰۰۵، ص ۲۵۱؛ وترل^۷، ۲۰۰۱، ص ۳۸۳)، این روش در مطالعات دینی کمتر مورد توجه قرار گرفته و به‌ندرت به صورت نظام‌مند و روشمند به‌کار رفته است (البته با استثنائات قابل توجهی مانند براون^۸، ۲۰۰۹؛ هِلِر^۹، ۲۰۰۰؛ هیلِم^{۱۰}، ۲۰۱۱، به نقل از: ویجسن^{۱۱}، ۲۰۱۳، ص ۳). این عدم تمایل را می‌توان تا حدودی به ماهیت متمایز زبان دینی نسبت داد که اغلب با ناگفتی‌ها سروکار دارد؛ همانطور که مارکوس موبِگ به آن اشاره می‌کند. به‌طور متناقض، همین ویژگی - یعنی توجه به ناگفته‌ها و دلالت‌های ضمنی - در کنار اهمیت بافت و موقعیت کلام، مطالعات دینی را به حوزه‌ای بسیار جذاب برای کاوش چگونگی برساخت موضوعات پژوهشی توسط رشته‌های دانشگاهی، از جمله تحلیل گفتمان مبتنی بر کنش‌های گفتاری، تبدیل می‌کند (فون اشتوکراد^{۱۲}، ۲۰۱۰، ص ۱۶۶). اگرچه «گفتمان» به اصطلاحی رایج در محافل دانشگاهی تبدیل شده و بسیاری از پژوهشگران دین از آن یاد می‌کنند؛ اما درگیری آنها با تحلیل گفتمان، اغلب در سطح نظری باقی می‌ماند و به‌ندرت به کاربردهای روشمند و دقیق فنی، از جمله بررسی کنش‌های گفتاری، منجر می‌شود (هیلِم^{۱۳}، ۲۰۱۱،

-
1. Wetherell
 2. Jorgensen
 3. Fairclough
 4. Caldas-Coulthard & Coulthard
 5. Grant
 6. Holstein & Gubrium
 7. Wetherell
 8. Brown
 9. Heather
 10. Hjelm
 11. Wijzen
 12. Von Stuckrad
 13. Hjelm

ص ۱۳۶). این گرایش، حتی در انجمن‌های تخصصی مانند واحد «نظریه انتقادی و گفتمان‌های دینی» در آکادمی مطالعات دینی آمریکا^۱ نیز مشهود است.

نظریه کنش‌های گفتاری، که توسط آستین پایه‌گذاری و توسط سرل توسعه داده شد، با تأکید بر اهمیت بافت و موقعیت کلام، ابزاری قدرتمند برای تحلیل متون، فراهم می‌کند. این نظریه، برخلاف برخی رویکردهای نقد نوین یا ساخت‌گرایی فرانسوی که متن را فارغ از بافت آن بررسی می‌کنند، بر اهمیت توجه به ناگفته‌ها، معانی ضمنی، ساختارهای زبانی و بافت متنی در تحلیل گفتمان تأکید دارد (حسینی معصوم و رادمرد، ۱۳۹۴، ص ۱۴۲). همانطور که یول^۲ (۱۳۷۴، ص ۱۴۴-۱۴۵) نیز اشاره می‌کند، کاربردشناسی، به مطالعه آن بخش از معنا می‌پردازد که صرفاً از معنای واژگان به‌کار رفته در جمله‌ها استخراج نمی‌شود؛ بلکه مقصود گوینده یا نویسنده را نیز دربرمی‌گیرد. به عبارت دیگر، کنش‌های گفتاری، به‌مثابه نمایشی از حدث و کارکرد زبان، به تحلیل آن دسته از معانی می‌پردازند که در بافت و موقعیت کلام، شکل می‌گیرند و فراتر از معنای تحت‌اللفظی کلمات هستند. الگوی سرل، با طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری، به پنج دسته اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی (میرهاشمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۴۷) و تأکید بر پیوند کنش‌های زبانی منفرد به کنش‌های کلی مرکب (البرزی، ۱۳۹۲، ص ۹۱)، چالش‌هایی را برای تحقیقات زبان‌شناسی در زمینه شناسایی مفاهیم اساسی، تکمیل نظریه‌ها در ارتباط با ساختارهای کنشی و زبانی، و تدوین اصول ترکیب کنش‌های زبانی ایجاد کرده است. سهم جان سرل در نظریه کنش‌های گفتاری، به‌ویژه با طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری به کنش‌های محققانه^۳، غیرقانونی و محلی^۴ به درک بهتر نحوه عملکرد زبان در ارتباطات، به‌ویژه در متون دینی، کمک شایانی کرده است. تأکید او بر قصد گوینده و تأثیر کلام بر شنونده، اهمیت این نظریه را در تحلیل متون دینی، که در آنها ماهیت عملکردی زبان نقش مهمی در انتقال معنا و اقتدار ایفا می‌کند، دوچندان می‌سازد (آل ادیلی^۵، ۲۰۲۳، ص ۱۱).

به این ترتیب، تحلیل کنش‌های گفتاری در نهج البلاغه (به معنای «راه شیوایی» یا «راه فصاحت») گزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه منسوب به علی بن ابی طالب (ع) است؛ که توسط سید رضی در قرن چهارم هجری براساس ذوق ادبی شخصی‌اش از نامه‌ها و خطبه‌های علی (ع) فراهم آورده است. از جمله شاخصه‌های این کتاب، ترجمه‌های متعدد آن است (احمدی‌زاده و همکاران،

1. AAR

2. Yule

3. Assertive

4. Commissive

5. Al-Aadili

۱۴۰۱، ص ۷۴). با وجود پژوهش‌های پیشین دربارهٔ نهج البلاغه، با استفاده از نظریه‌های زبان‌شناسی مانند نظریهٔ کنش گفتاری سرل (بلاوی و ماهوزی، ۱۳۹۸؛ احمدی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱؛ نجفی ایواکی و همکاران، ۱۳۹۶؛ محمصص و کوچک یزدی، ۱۳۹۹؛ فضائلی و نگارش (۱۴۰۳) تحلیل متمرکز بر کنش‌های گفتاری در خطبه‌های خاص، به‌ویژه خطبهٔ ۱۲۷ (نکووش خوارج)، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با تمرکز بر تحلیل کنش‌های گفتاری در خطبهٔ ۱۲۷ نهج البلاغه مبتنی بر نظریهٔ سرل، در پی واکاوی عمیق‌تر اهداف ارتباطی و روش‌های بلاغی حضرت علی (ع) و شفاف‌سازی رابطهٔ زبان، بافت و معنا در گفتمان دینی است. با توجه به آنچه گفته شد، هدف اصلی این پژوهش، تحلیل متن خطبهٔ ۱۲۷ نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی پنج‌گانهٔ کنش‌های گفتاری سرل است. در این راستا، اهداف فرعی عبارتند از: تعیین فراوانی نسبی هریک از انواع کنش‌های گفتاری (اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی، اعلامی) در خطبه ۱۲۷؛ بررسی و تبیین دلایل بسامد بالای کنش‌های اظهاری و ترغیبی در این خطبه با توجه به بافت موقعیتی و بلاغی آن؛ تحلیل ارتباط میان کاربرد کنش‌های گفتاری و استراتژی‌های ارتباطی امام علی (ع) در مواجهه با خوارج.

۱-۱. پیشینه پژوهش

نهج البلاغه، گنجینه‌ای ارزشمند از فصاحت و بلاغت، همواره عرصهٔ کاوش‌های علمی و ادبی بوده است. بررسی گفتمان و کنش‌های کلامی در این اثر، دریچه‌ای به فهم ژرف‌تر اندیشه‌ها و اهداف امام علی (ع) می‌گشاید. پژوهش‌های اخیر با رویکردهای متنوع زبان‌شناختی، ابعاد مختلف این گفتمان را کاویده‌اند. پژوهش‌های متعددی، به تحلیل گفتمان و کنش‌های کلامی در نهج البلاغه پرداخته‌اند. بلاوی و ماهوزی (۱۳۹۸) با بهره‌گیری از نظریهٔ کنش کلامی آستین و سرل، الگوهای کنش‌های کلامی (ترغیبی، اظهاری، عاطفی، تعهدی و اعلامی) و اطلاعات مبادله‌شده در نهج البلاغه را بررسی کرده و به کشف لایه‌های پنهان کلام و تولید شاکله‌های نو دست یافته‌اند. همچنین، احمدی‌زاده، امینی و منصوری لاریجانی (۱۴۰۱)، با تحلیل ساختاری و سبکی نامهٔ دهم نهج البلاغه براساس نظریهٔ کنش گفتار سرل (۱۹۶۹)، فراوانی کنش‌های اظهاری و ترغیبی را به‌عنوان ابزاری برای بازداشتن معاویه از جنگ، تبیین کرده‌اند. نجفی ایوکی، رسول‌نیا و نوش‌آبادی (۱۳۹۶) نیز، خطبهٔ شش‌شقیه را براساس نظریهٔ کنش گفتاری سرل، تحلیل کرده و غلبهٔ کنش اظهاری را ناشی از شرح واقعهٔ سقیفه توسط امام علی (ع) دانسته‌اند. در همین راستا، محمصص و کوچک یزدی (۱۳۹۹)، با تحلیل کنش گفتار ترغیب در خطبهٔ قاصعه، هدف اصلی آن را هشدار به کوفیان معرفی کرده‌اند؛ در حالی که فضائلی و نگارش (۱۴۰۳)، در تحلیل خطبهٔ ۵۱، بر فراوانی کنش‌های اظهاری و ترغیبی

برای تحریک لشکریان به جنگ با معاویه، تأکید داشته‌اند. کاظمی (۱۳۹۳) نیز، با بررسی نظریه کارگفت در نهج البلاغه، کاربرد کارگفت‌های اظهاری، ترغیبی و عاطفی را به ترتیب برای بیان باورهای دینی، دعوت به انجام امور دینی و بیان مفاهیم عرفانی، تحلیل کرده است. علاوه بر این، بشیر و همکاران (۱۳۹۹)، با تحلیل گفتمان آیه تبلیغ در خطبه غدیر به روش پدام، ولایت محوری را دال مرکزی این گفتمان معرفی کرده‌اند. سجادی (۱۴۰۱)، نیز در پژوهشی به بررسی گفتمان ادبی خطبه چهارم نهج البلاغه پرداخته و گراوند و همکاران (۱۴۰۱)، عدالت توزیعی در سیره علوی را با تکیه بر نامه ۵۳ و نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف تحلیل کرده‌اند. موسوی بفرونی و همکاران (۱۳۹۹)، مبانی سیاست‌ورزی امام علی (ع) را در نامه ۶۴ با روش فرکلاف بررسی کرده و قنبری و پروین (۱۳۹۶) رابطه بافت متن و موقعیت را در خطبه‌های نهج البلاغه با رویکرد تحلیل گفتمان ادبی و با مطالعه موردی جنگ صفین تحلیل کرده‌اند. همچنین، نجفی ایوکی و همکاران (۱۴۰۲). به تحلیل گفتمان انتقادی خطبه ۱۰۸ و ۲۵ نهج البلاغه براساس مربع ایدئولوژیک ون دایک پرداخته‌اند. عزیزخانی و شاملی (۱۴۰۰)، گفتمان انتقادی در نهج البلاغه را براساس نظریه فرکلاف و با مطالعه موردی توصیف ناکثین بررسی کرده‌اند. محسنی و همکاران (۱۳۹۶) نیز، گفتمان انتقادی در توصیف کوفیان را با نظریه فرکلاف تحلیل نموده‌اند. سهرابی و صالح‌نیا (۱۴۰۲)، نقش تناصح و تعاون را در خطبه ۲۱۶ بررسی کرده و عبدالله‌زاده آرانی (۱۳۹۹)، نگرش امام علی (ع) به دنیا را در نامه ۳۱ تحلیل کرده‌اند. در نهایت، زودرنج و اربطی مقدم (۱۴۰۱)، خطبه شمشقیه را با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، واکاوی کرده و بشارتی و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی سبکی تطبیقی خطبه ۲۷ و نامه ۲۸ نهج البلاغه پرداخته‌اند.

با وجود پژوهش‌های متعدد در حوزه تحلیل گفتمان و کنش‌های کلامی نهج البلاغه، بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون، تحلیل جامعی از خطبه ۱۲۷ این اثر گرانسنگ صورت نگرفته است. این خلأ پژوهشی، ضرورت بررسی و تحلیل خطبه مذکور را برجسته می‌سازد. از این‌رو، تحلیل خطبه ۱۲۷ با بهره‌گیری از چارچوب نظری سرل، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است؛ زیرا با بررسی این خطبه، می‌توان به سؤالات زیر پاسخ داد: متن خطبه ۱۲۷ امیرالمؤمنین (ع) به‌عنوان یک گفتمان، چگونه براساس نظریه کنش گفتاری سرل، تحلیل و بررسی می‌شود؟ کدام یک از انواع کنش‌های گفتاری در آن، از فراوانی بیشتری برخوردار است؟ دلایل بسامد بالا یا پایین کنش‌های گفتاری در سطح خطبه، کدام است و تا چه حد با روح خطبه همخوانی دارد؟ از این‌رو در پژوهش حاضر، به تحلیل کنش‌های گفتاری در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه با تکیه بر نظریه کنش گفتاری سرل پرداخته می‌شود.

۲-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

مطالعه دین، همواره با تنش میان دقت علمی و ماهیت تفسیری پدیده‌های دینی دست‌به‌گریبان بوده است. روش‌های عینیت‌گرایانه و پوزیتیویستی، به دلیل نادیده گرفتن ابعاد تفسیری و بافت‌محور دین، با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند. اگرچه رویکردهای جایگزین در مطالعات دینی پدیدار شده‌اند؛ اما ابهام روش‌شناختی و فقدان قواعد دقیق، مانع از تحلیل جامع متون دینی شده است. در این میان، تحلیل گفتمان به‌عنوان روشی کارآمد و میان‌رشته‌ای، با توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی، ظرفیت بالایی برای پل زدن میان تبیین و تفسیر در مطالعات دینی دارد. با وجود کاربرد گسترده تحلیل گفتمان در سایر رشته‌ها، این روش در مطالعات دینی، به‌ویژه با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد زبان دینی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور خاص، نظریه کنش‌های گفتاری سرل، با تأکید بر قصد گوینده، تأثیر کلام بر شنونده و اهمیت بافت و موقعیت، ابزاری قدرتمند برای واکاوی متون دینی فراهم می‌کند. با این حال، علی‌رغم کاربرد کلی این نظریه در تحلیل نهج‌البلاغه، تحلیل‌های جزئی‌نگر و متمرکز بر خطبه‌های خاص، به‌ویژه خطبه ۱۲۷ که به نکوهش خوارج اختصاص دارد، به‌ندرت انجام شده است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف رفع این نقیصه، به تحلیل متن‌شناختی خطبه ۱۲۷ نهج‌البلاغه براساس نظریه کنش گفتاری سرل می‌پردازد تا با بررسی انواع کنش‌های گفتاری، فراوانی و توزیع آنها و تعامل آنها با بافت بلاغی خطبه، درک جامع‌تری از اهداف و راهبردهای ارتباطی حضرت علی(ع) در این خطبه ارائه دهد.

۲. بحث

۲-۱. واکاوی نظریه کنش گفتاری

نظریه کنش گفتاری، که در دهه ۱۹۳۰ توسط جان آستین^۱، فیلسوف زبان بریتانیایی، پایه‌گذاری شد (آستین، ۱۹۶۲)، انقلابی در فهم ما از زبان ایجاد کرد. آستین، با معرفی سه بُعد کنش گفتاری-بیانی، نیت‌ورزانه و تأثیرگذار- نشان داد که زبان نه تنها برای توصیف جهان، بلکه ابزاری برای انجام کنش‌ها نیز هست. او بدین ترتیب، دیدگاه سنتی صدق و کذب را که زبان را صرفاً توصیفی می‌دانست، به چالش کشید (زو و یی^۲، ۲۰۲۲، ص ۱۲۹). با این حال، عدم ارائه دسته‌بندی جامع از کنش‌های نیت‌ورزانه توسط آستین (۱۹۶۲)، زمینه‌ساز ورود جان سرل و توسعه بیشتر این نظریه شد. سرل^۳ (۲۰۰۱)، با بررسی مطالعات پیشین و با تکیه بر کار آستین، کنش‌های نیت‌ورزانه را به دو دسته

1. Austin

2. Zou Yiye

3. Searle

مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد. در کنش مستقیم، نیت گوینده به طور شفاف و از طریق معنای ظاهری کلام بیان می شود، در حالی که در کنش غیرمستقیم، نیت، فراتر از معنای ظاهری بوده و به طور ضمنی منتقل می شود (سرل، ۲۰۰۱، ص ۶۱). به عبارت دیگر، محتوای ارتباط در کنش غیرمستقیم، بیش از بیان تحت اللفظی گوینده را در بر می گیرد. این تمایز، برای تحلیل موقعیت های ارتباطی روزمره، متون ادبی و دینی، و تعاملات اجتماعی که در آنها کنش های غیرمستقیم به وفور یافت می شوند (مانند رعایت ادب در گفت وگوها (شانو^۱، ۲۰۲۴، ص ۱۴۱)، بسیار مهم است. در چنین موقعیت هایی، گوینده ممکن است برای رعایت ادب، حفظ وجهه، یا دستیابی به اهداف ارتباطی خاص، به کنش های غیرمستقیم متوسل شود.

سرل (وندروکن و کاب^۲، ۲۰۰۲)، گزاره ها را براساس نیروی ایلوکوشنری یا کارکرد مورد نظر آنها، به پنج دسته تقسیم می کند: اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی. این طبقه بندی، به دلیل ماهیت غیرانحصاری خود که امکان همزمانی چند کنش را در یک گزاره فراهم می کند، مورد تحسین ورشورن^۳ قرار گرفته است (۲۰۰۳، ص ۲۴). کنش های اظهاری، وضعیت امور را توصیف و گوینده را به صدق گزاره متعهد می کنند (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۸۲؛ یول^۴، ۱۹۹۶، ص ۵۳). این کنش ها، شامل ادعاها، نتیجه گیری ها و توصیفاتی هستند که بازتاب دهنده واقعیت از دیدگاه گوینده اند. کنش های ترغیبی، با هدف تأثیرگذاری بر اعمال شنونده و ایجاد تکلیف برای او بیان می شوند (یول، ۱۹۹۶، ص ۵۴). این کنش ها، خواسته ها و تمایلات گوینده را بیان کرده و اغلب به صورت درخواست یا پرسش مطرح می شوند. کنش های تعهدی، گوینده را به انجام اعمال آینده، مانند قول دادن، قسم خوردن یا ضمانت کردن، ملزم می کنند (سرل، ۱۹۹۹، ص ۱۴؛ آلام، ۱۳۸۲، ص ۲۰۶). کنش های عاطفی، حالت روانی گوینده را درباره یک موقعیت خاص بیان می کنند، صدق گزاره را مفروض گرفته و بر تأثیر عاطفی آن تمرکز دارند (یول، ۱۹۹۶، ص ۵۳؛ سرل، ۱۹۹۹، ص ۱۵). کنش های اعلامی، که اغلب در چارچوب های اجتماعی و قانونی نهادینه شده اند، با بیان آنها، تغییرات فوری در جهان واقعی ایجاد می کنند (سرل، ۱۹۹۹، ص ۱۵).

سرل مانند آستین (۱۹۶۲)، کنش گفتاری را در سه بُعد تحلیل می کند: بیانی (ادای کلمات و عبارات و بیان معنای ظاهری آنها)، نیت ورزانه (هدف گوینده از بیان کلام)، و تأثیرگذار (تأثیر کلام بر

1. Shao
2. Vanderveken & Kubo
3. Verschueren
4. Yule

شنونده و پیامدهای آن). این سه بُعد، پیچیدگی کنش‌های گفتاری را نشان می‌دهند (آران^۱، ۲۰۱۷، ص ۲۵۹؛ صفی‌الدین^۲، ۲۰۱۹، ص ۶). «گزاره» یا «کنش گفتاری»، در نظریه سرل، نقش محوری دارد و به‌عنوان واحد تحلیل در زبان‌شناسی به‌کار می‌رود. اگرچه تعریف واحد و مشخصی برای آن وجود ندارد؛ اما عموماً به‌عنوان بخشی از زبان (کوتاه یا بلند)، که معنایش از تعامل زبان و بافت برمی‌آید، شناخته می‌شود. این انعطاف‌پذیری، به پژوهشگران امکان می‌دهد تا هر چیزی، از یک کلمه تا یک اثر ادبی را به‌عنوان کنش گفتاری تحلیل کنند و اصول تحلیلی یکسانی را، صرف‌نظر از طول متن، به‌کار گیرند (بوت^۳، ۱۹۹۱، ص ۲۹۵). نظریه کنش گفتاری، با ارائه این چارچوب تحلیلی، به درک بهتر ارتباطات در زمینه‌های مختلف، از جمله ادبیات، روزنامه‌نگاری و آموزش، کمک می‌کند (چاتپانهای^۴، ۲۰۲۴، ص ۱۲۱؛ زو و یا، ۲۰۲۲، ص ۱۳۰). درک دانش زبانی مشترک و قواعد حاکم بر آن در یک جامعه زبانی، برای فهم کنش‌های گفتاری مستقیم، که در آن تیت‌گوینده مطابق معنای ظاهری بیان می‌شود، ضروری است.

۲-۲. تحلیل کنش‌های گفتاری خطبه براساس طبقه‌بندی سرل

توجه به بافت‌های مختلف تاریخی، اجتماعی، زمانی و مکانی و... در تحلیل متن، بسیار مؤثر است. از این‌رو، ابتدا به این مهم در خطبه پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱. نگاهی به بافت تاریخی، مکانی و زمانی خطبه ۱۲۷ نهج‌البلاغه

خطبه ۱۲۷ نهج‌البلاغه، آینه‌ای تمام‌نما از فضای پرتنش دوران حکومت امام علی (ع) است. این خطبه، در سال ۳۷ هجری قمری، در کوفه و پیش از نبرد نهروان، در پاسخ به انشعاب فکری و نظامی خوارج ایراد گردید. خوارج، گروهی از سپاهیان امام در جنگ صفین بودند؛ که پس از ماجرای حکمیت، با شعار «لا حکم الا لله» ایشان را به کفر متهم کرده و علیه او شوریدند. اعتقاد بنیادین خوارج، تکفیر مرتکب گناه کبیره و واجب‌القتل دانستن او بود، باوری که ریشه در تفسیر سطحی و متحجرائانه آنان از قرآن داشت (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق، ص ۵۱۴). کوفه، به‌عنوان پایتخت حکومت امام علی (ع)، کانون اصلی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آن دوران بود. انتخاب این شهر برای ایراد خطبه ۱۲۷، نشان‌دهنده اهمیت مخاطبان و تأثیرگذاری کلام امام در آن فضای آشفته است. خوارج با فعالیت‌های تبلیغی خود در مسجد کوفه و حتی تهدید امام به قتل، سعی در گسترش ایدئولوژی

1. Aruan
2. Saifudin
3. Botha
4. Chattopadhyay

افراطی خود داشتند. خطبه ۱۲۷ در چنین بافت مکانی متشنجی ایراد شد و تلاشی برای خنثی کردن تأثیر تفکر خوارج و بازگرداندن جامعه به مسیر اعتدال بود (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۳۳، ۱۲۶). از منظر زمانی، این خطبه در یکی از بحرانی‌ترین دوران‌های تاریخ اسلام ایراد شده است. جامعه مسلمانان، پس از جنگ‌های جمل و صفین، دچار تفرقه و چنددستگی شده بود. ظهور خوارج با ایدئولوژی تکفیر، این شکاف‌ها را عمیق‌تر کرد و جامعه را در آستانه یک جنگ داخلی دیگر قرار داد. خطبه ۱۲۷ نه‌تنها در رد عقاید خوارج، بلکه به‌عنوان هشدار جدی نسبت به پیامدهای فاجعه‌بار افراط‌گرایی و جمود فکری ایراد گردید. امام (ع) با استناد به سیره پیامبر (ص) در رفتار با گناهکاران، بر ضرورت رعایت انصاف، عدالت و میانه‌روی تأکید کردند و راهکار برون‌رفت از بحران را بازگشت به اصول اسلام ناب محمدی (ص) دانستند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۳۳، ۱۲۶). امام علی (ع) در خطبه ۱۲۷، با استناد به سیره پیامبر (ص) در عدم طرد گناهکاران مجازات شده و حفظ حقوق اجتماعی آنان، تفکر تکفیر خوارج را رد می‌کند. ایشان خشونت و افراط‌گرایی آنان را نکوهش کرده و بر لزوم اعتدال و میانه‌روی در جامعه، حتی در مواجهه با مجرمین، تأکید می‌کنند.

۲-۲-۲. تحلیل خطبه

تحلیل کنش‌های گفتاری در خطبه ۱۲۷ با بهره‌گیری از نظریه سرل، به ما این امکان را می‌دهد که نه‌تنها انواع کنش‌های موجود در این گفتار مهم را شناسایی کنیم؛ بلکه نشان دهیم چگونه ویژگی‌های زبانی و بلاغی کلام امام علی (ع) در این خطبه با چارچوب تحلیلی این نظریه انطباق یافته و بصیرت‌های جدیدی را درباره استراتژی‌های ارتباطی ایشان در این بستر خاص (مواجهه با خوارج) آشکار می‌سازد. این رویکرد، مؤید آن است که زبان در لسان امیرالمؤمنین (ع) به‌گونه‌ای عمل‌گرایانه و با اهداف نیت‌ورزانه به‌کار می‌رود که بررسی آن با ابزارهایی چون نظریه کنش گفتاری، مسبوق به سابقه در ماهیت بلاغی کلام ایشان است و صرفاً تطبیق یک نظریه انتزاعی بر متن نیست؛ بلکه ابزاری برای فهم عمیق‌تر ذات گفتار ایشان است. در ادامه، به‌منظور نشان دادن این انطباق و تحلیل عمیق‌تر در حیطه و حدود معنایی همین پژوهش، مهم‌ترین پاره‌گفتارها به‌صورت گزینشی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند و در هر مورد، نحوه کاربرد نظریه سرل برای تبیین جنبه‌های ارتباطی کلام امام (ع) مورد تأکید قرار می‌گیرد. با این حال، کنش‌های گفتاری سایر بخش‌های خطبه در قالب نمودار ارائه خواهد شد.

«فَإِنْ أَيْتُمْ إِلَّا أَنْ تَزْعُمُوا أَنِّي أَخْطَأْتُ وَصَلْتُ، فَلَمْ تُصَلُّوْنَ عَامَةً أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) بَضَلَالِي وَتَأْخُذُونَهُمْ بِحَطَلِي وَتُكْفَرُونَهُمْ بِذُنُوبِي؟» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

واحد تحلیل این بخش، کل جمله پرسشی است. کنش گفتاری غالب در این بخش، «ترغیبی» است. امام با طرح سه پرسش بلاغی، خوارج را به چالش می‌کشد و به‌طور ضمنی، از آنها می‌خواهد

که در رفتار و قضاوت خود تجدیدنظر کنند. در سطح بُعد بیانی، این جملات پرسشی هستند که ظاهراً به دنبال دلیل رفتار خوارج می‌باشند. اما در سطح بُعد نیت‌ورزانه، هدف امام، سرزنش و نکوهش خوارج و واداشتن آنها به تفکر در مورد تناقض موجود در رفتارشان است: اگر امام را گمراه می‌دانند، چرا دیگران را به خاطر گمراهی او سرزنش و تکفیر می‌کنند؟ در سطح تأثیرگذار بُعد بیانی، انتظار می‌رود که خوارج با شنیدن این پرسش‌ها، به اشتباه خود پی برده و از رفتار تفرقه‌انگیز خود دست بردارند. با این حال، با توجه به بافت تاریخی و شناخت ما از خوارج، این کلام تأثیر مطلوب را بر آنها نداشته است. همچنین می‌توان عنصر «عاطفی» را نیز در این بخش مشاهده کرد. لحن پرسشی و سرزنش‌آمیز امام، نشانگر تأسف و نگرانی ایشان از وضعیت جامعه اسلامی و رفتار خوارج است. تحلیل این بخش براساس نظریه سرل، نشان می‌دهد که چگونه یک ساختار زبانی ساده (پرسش)، می‌تواند نیروی ایلوکوشنری پیچیده‌ای داشته باشد و چندین هدف ارتباطی (پرسش واقعی، سرزنش، ترغیب ضمنی) را همزمان منتقل کند؛ ویژگی که در بلاغت کلام امام علی (ع) به‌وفور یافت می‌شود.

«سَيُؤْفِكُمْ عَلَىٰ عَوَاتِقِكُمْ تَضَعُونَهَا مَوَاضِعَ الْبُرِّءِ وَ السَّقَمِ وَ تَخْلُطُونَ مَنْ أَدْنَبَ بِمَنْ لَمْ يَذْنِبْ!»
(نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

واحد تحلیل این بخش نیز کل جمله است. کنش گفتاری غالب، «اظهاری» است. امام با توصیف رفتار خوارج، تصویری از خشونت و بی‌عدالتی آنها ارائه می‌دهد. در سطح بُعد بیانی، این جمله به معنای این است که خوارج شمشیرهایشان را بر دوش دارند و آنها را بر محل‌های سلامتی و بیماری قرار می‌دهند و گناهکار و بی‌گناه را با هم مخلوط می‌کنند. در سطح بُعد نیت‌ورزانه، هدف امام، نشان دادن بی‌رحمی و بی‌عدالتی خوارج است؛ که حتی به بیماران نیز رحم نمی‌کنند و فرقی میان گناهکار و بی‌گناه قائل نیستند. در سطح تأثیرگذار بُعد بیانی، انتظار می‌رود که این توصیف باعث بیداری وجدان خوارج و تجدیدنظر در رفتارشان شود. اما باز هم با توجه به بافت تاریخی، این کلام تأثیر چندانی بر آنها نداشته است. استفاده از تشبیه «مواضع البرء و السقم» نیز به تأثیرگذاری بیشتر این بخش کمک می‌کند و نشان‌دهنده بی‌توجهی خوارج به هرگونه معیار انسانی و اخلاقی است. همچنین می‌توان عنصر «عاطفی» را نیز در این بخش مشاهده کرد. لحن سرزنش‌آمیز و کلمات تند امام، نشانگر انزجار و نفرت ایشان از رفتار خوارج است. این پاره‌گفتار، نمونه‌ای از کاربرد کنش اظهاری با بار عاطفی قوی است؛ که با استفاده از تصویرسازی و تشبیه (موارد نشانه‌شناختی مورد اشاره داور)، به جای بیان مستقیم قضاوت اخلاقی، آن را از طریق توصیف عمل (بُعد بیانی) و تأکید بر نتایج فاجعه‌بار (بُعد تأثیرگذار) منتقل می‌کند و نظریه سرل به ما کمک می‌کند تا این ترکیب کنش‌ها

و اهداف را در کلام امام (ع) شناسایی کنیم.

«وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) رَجَمَ الزَّانِيَ الْمُحْصَنَ ثُمَّ صَلَّى عَلَيْهِ ثُمَّ وَرَّثَهُ أَهْلُهُ، وَ قَتَلَ الْقَاتِلَ وَ وَرَّثَ مِيرَاثَهُ أَهْلُهُ، وَ قَطَعَ [يَدَ] السَّارِقِ وَ جَلَدَ الزَّانِيَ غَيْرَ الْمُحْصَنِ ثُمَّ قَسَمَ عَلَيْهِمَا مِنَ الْفَيْءِ وَ نَكَحَا الْمُسْلِمَاتِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

در این بخش، واحد تحلیل، کل جمله بلند است؛ که به سیره پیامبر (ص) در مواجهه با مجرمان اشاره می‌کند. کنش گفتاری غالب در این بخش، «اظهاری» است. امام با ذکر مصادیقی از اجرای حدود الهی توسط پیامبر، مانند رجم، قتل، قطع ید و جلد، به خوارج یادآوری می‌کند که حتی پس از اجرای این مجازات‌ها، حقوق اجتماعی و مذهبی این افراد حفظ می‌شد و آنها از جامعه مسلمان طرد نمی‌شدند. در سطح بُعد بیانی، این جمله به شرح اعمال پیامبر در اجرای حدود می‌پردازد. اما در سطح بُعد نیت‌ورزانه، هدف امام، ارائه یک الگوی رفتاری صحیح و مطابق با سیره نبوی است؛ تا به خوارج نشان دهد که رویکرد سختگیرانه و افراطی آنها با سیره پیامبر، سازگار نیست. در سطح تأثیرگذار بُعد بیانی، انتظار می‌رود که خوارج با شنیدن این موارد، در رفتار خود تجدیدنظر کنند و به سیره پیامبر بازگردند. با این حال، با توجه به بافت تاریخی، این استدلال نیز تأثیر چندانی بر آنها نداشته است. این بخش همچنین، حاوی یک پیام ضمنی «ترغیبی» است؛ که خوارج را به پیروی از سیره پیامبر دعوت می‌کند. تحلیل این بخش، به ویژه بُعد نیت‌ورزانه آن (ارائه الگو برای ترغیب به تغییر رفتار)، نشان می‌دهد که چگونه امام (ع) با استفاده از کنش‌های اظهاری (گزارش سیره) در واقع، به دنبال ایجاد یک کنش ترغیبی ضمنی هستند. این شیوه استفاده از زبان برای ترغیب از طریق بیان واقعیات، یکی از ویژگی‌های بلاغت قرآنی و نبوی و به تبع آن، کلام امام علی (ع) است؛ که نظریه کنش گفتاری می‌تواند آن را به خوبی تحلیل کند.

«فَأَخَذَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بِذُنُوبِهِمْ وَ أَقَامَ حَقَّ اللَّهِ فِيهِمْ وَ لَمْ يَمْنَعْهُمْ سَهْمَهُمْ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ لَمْ يُخْرِجْ أَسْمَاءَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَهْلِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

این بخش، تکمیل‌کننده بخش سوم است و واحد تحلیل آن، کل جمله می‌باشد. کنش گفتاری غالب در این بخش نیز «اظهاری» است. امام با بیان اینکه پیامبر (ص) با وجود مجازات گناهکاران، آنها را از دایره اسلام و جامعه مسلمان خارج نمی‌کرد، بر رویکرد عادلانه و رحیمانه اسلام تأکید می‌کند. در سطح بُعد بیانی، این جمله به معنای این است که پیامبر با مجرمان برخورد می‌کرد؛ اما آنها را از جامعه طرد نمی‌کرد. در سطح بُعد نیت‌ورزانه بُعد بیانی، هدف امام، نشان دادن تفاوت میان سیره پیامبر و رفتار خوارج است. پیامبر با اینکه مجازات را اجرا می‌کرد، اما همواره به دنبال اصلاح و هدایت بود و مجرمان را جزئی از جامعه اسلامی می‌دانست؛ در حالی که خوارج با خشونت و

افراط‌گرایی، به دنبال طرد و تکفیر بودند. در سطح تأثیرگذار بُعد بیانی، امام می‌خواهد خوارج را به تفکر وادارد و آنها را به‌سوی سیره پیامبر رهنمون شود. مانند بخش سوم، این بخش نیز حاوی یک پیام ضمنی «ترغیبی» است.

«ثُمَّ أَنْتُمْ شَرَّاءُ النَّاسِ وَمَنْ رَمَى بِهِ الشَّيْطَانُ مَرَامِيَهُ وَصَرَبَ بِهِ يَهِيَهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

واحد تحلیل این بخش، کل جمله است. کنش گفتاری غالب، «عاطفی» و به‌طور خاص، «ابرازی» است. امام با استفاده از لفظ «شَرَّاءُ النَّاسِ» (بدترین مردم)، انزجار و نفرت خود را از اعمال خوارج ابراز می‌کند. در سطح بُعد بیانی، این جمله به معنای این است که خوارج بدترین مردم هستند و شیطان، آنها را گمراه کرده است. در سطح تیت‌ورزانه بُعد بیانی، هدف امام، بیان شدیدترین نکوهش و سرزنش نسبت به خوارج است. در سطح تأثیرگذار بُعد بیانی، امام قصد دارد با این بیان قاطع، به خوارج بفهماند که رفتار آنها تا چه حد مذموم و ناپسند است. همچنین در این بخش، یک کنش «اظهاری» نیز وجود دارد؛ که به نقش شیطان در گمراهی خوارج اشاره می‌کند. شدت و صراحت در ابراز احساسات (مانند «شرار الناس»)، یکی از ویژگی‌های کلام امام علی (ع) در مواجهه با انحرافات است. تحلیل اینگونه عبارات با کنش‌های عاطفی ابرازی در چارچوب سرل، نشان می‌دهد که چگونه بُعد عاطفی زبان در نهج البلاغه، نقش مهمی در انتقال پیام و تأثیرگذاری بر مخاطب ایفا می‌کند.

«وَ سَيَهْلِكُ فِي صِنْفَانِ: مُحِبٌّ مُفْرَطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ، وَ مُبْغِضٌ مُفْرَطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ، وَ خَيْرُ النَّاسِ فِي حَالِ النَّمَطِ الْأَوْسَطِ، فَالْزُمُوهُ، وَ الزُّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ، فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّنْبِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

واحد تحلیل این بخش، کل جمله طویل است. در این بخش، کنش‌های گفتاری «اظهاری» و «ترغیبی» به چشم می‌خورد. در ابتدا، امام با بیان اینکه دو گروه در مورد ایشان هلاک می‌شوند (دوستان و دشمنان افراطی)، یک واقعیت را بیان می‌کند. سپس با بیان اینکه بهترین مردم، میانه‌روها هستند، یک حکم اخلاقی ارائه می‌دهد. در ادامه، با عبارات «فَالْزُمُوهُ» و «وَ الزُّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ»، به‌طور مستقیم مخاطبان را به میانه‌روی و پیروی از جماعت دعوت می‌کند که این بخش، کنش «ترغیبی» است. همچنین با عبارت «وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ»، از تفرقه نهی می‌کند؛ که این نیز یک کنش «ترغیبی» است. در پایان با تشبیه فرد منفرد به گوسفند تکرور که طعمه گرگ می‌شود، بر اهمیت وحدت و پیروی از جماعت تأکید می‌کند. در سطح تیت‌ورزانه بُعد بیانی، هدف امام، ترغیب مخاطبان به میانه‌روی و وحدت و برحذر داشتن آنها از افراط و تفرقه است. در سطح تأثیرگذار بُعد

بیانی، امام می‌خواهد با این بیانات، جامعه اسلامی را از خطر تفرقه و اختلاف نجات دهد. پیچیدگی این بخش، درهم آمیزی کنش‌های اظهاری (بیان حقایق و اصول) و ترغیبی (دعوت و نهی مستقیم) و استفاده از تشبیهات قوی، نمونه‌ای دیگر از عمق بلاغت نهج البلاغه است؛ که تحلیل کنش گفتاری ابعاد مختلف تأثیرگذاری آن را نمایان می‌سازد.

«أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَاقْتُلُوهُ، وَلَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

واحد تحلیل این بخش، کل جمله است. کنش گفتاری غالب، «ترغیبی» و به‌طور خاص، «دستوری» است. امام با عبارت «فَاقْتُلُوهُ» به‌صراحت دستور به کشتن کسی می‌دهد که به شعار خوارج دعوت می‌کند. در سطح بُعد بیانی، این جمله به‌معنای کشتن دعوت‌کننده به شعار خوارج است؛ حتی اگر آن فرد زیر عمامه امام باشد. در سطح نیت‌ورزانه بُعد بیانی، هدف امام، نشان دادن قاطعیت و جدیت خود در مقابله با فتنه و تفرقه‌افکنی خوارج است. با بیان اینکه حتی اگر فرد دعوت‌کننده به شعار خوارج، از نزدیکان امام باشد، باید کشته شود؛ امام بر بی‌طرفی و عدالت خود تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که در برابر هیچ‌کس در اجرای حق و مقابله با باطل، کوتاه نمی‌آید. در سطح تأثیرگذار بُعد بیانی، هدف امام برقراری نظم و امنیت و جلوگیری از گسترش فتنه خوارج است. این بخش همچنین، می‌تواند به‌عنوان یک کنش «اعلامی» نیز تلقی شود؛ زیرا با بیان این حکم، یک قانون جدید وضع می‌شود. با این حال، تفسیر این بخش و چگونگی اجرای آن، مورد بحث و بررسی فقها و مفسران قرار گرفته است. این پاره‌گفتار، به‌ویژه با توجه به اقتدار امام علی (ع) که از الزامات اساسی برای تحقق شرایط سعادت‌مندی کنش‌های اعلامی و دستوری (مانند شرط آمادگی مبنی بر داشتن اختیار و توانایی) است، نمونه برجسته‌ای از کاربرد زبان برای ایجاد تغییر مستقیم در واقعیت اجتماعی است. تحلیل این کنش قدرتمند با چارچوب سرل، نه‌تنها نوع کنش را مشخص می‌کند؛ بلکه پیامدهای آن را در بستر سیاسی و اجتماعی دوران امام (ع) روشن می‌سازد؛ بُعدی که در لسان رهبران الهی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

«فَإِنَّمَا حُكِّمَ الْحَكَمَانِ لِيُحْيِيَ مَا أَحْيَا الْقُرْآنُ وَيُمِيتَ مَا أَمَاتَ الْقُرْآنُ، وَ إِحْيَاؤُهُ الْإِجْتِمَاعُ عَلَيْهِ وَ إِمَاتَتُهُ الْإِفْتِرَاقُ عَنْهُ، فَإِنْ جَرَّأَ الْقُرْآنُ إِلَيْهِمْ اتَّبَعْنَاهُمْ وَ إِنْ جَرَّهْمُ إِلَيْنَا اتَّبَعُونَا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

واحد تحلیل این بخش، کل جمله طویل است. کنش گفتاری غالب، «اظهاری» است. امام در این بخش، هدف از پذیرش حکمیت را بیان می‌کند و به خوارج که ایشان را به دلیل پذیرش حکمیت سرزنش می‌کردند، پاسخ می‌دهد. در سطح بُعد بیانی، این جمله به‌معنای این است که حکمیت برای اجرای احکام قرآن و اجتماع مسلمانان بر آن، بوده است. در سطح نیت‌ورزانه بُعد بیانی، هدف امام، توجیه پذیرش حکمیت و رفع شبهات خوارج است. امام با بیان اینکه هدف از حکمیت، عمل به قرآن

و جلوگیری از تفرقه بوده است؛ نشان می‌دهد که تصمیم ایشان در پذیرش حکمیت، نه از روی ضعف یا ترس، بلکه برای حفظ وحدت مسلمانان و اجرای احکام الهی بوده است. در سطح تأثیرگذار بُعد بیانی، امام می‌خواهد خوارج را متقاعد کند که در مورد حکمیت، قضاوت نادرستی داشته‌اند. عبارت «فَإِنْ جَرَأَ الْقُرْآنُ إِلَيْهِمْ اتَّبَعْنَاهُمْ وَإِنْ جَرَّهُمْ إِلَيْنَا أَتَّبَعُونَا» نیز یک کنش «تعهدی» است که نشان‌دهنده پابندی امام به قرآن و احکام آن است. این بخش، همزمان کنش‌های اظهاری (تبیین هدف حکمیت) و تعهدی (التزام به پیروی از قرآن) را دربرمی‌گیرد. تحلیل این همزمانی، نشان‌دهنده انسجام درونی کلام امام (ع) و پیوند ناگسستنی میان مواضع تبیینی ایشان و تعهدات عملی است؛ که یکی از ویژگی‌های برجسته نهج البلاغه بوده و نظریه سرل به تحلیل این ساختار پیچیده کمک می‌کند. «فَلَمْ آتِ لَا أَبَا لَكُمْ بُجْرًا وَلَا خَتَلَكُمْ عَنْ أَمْرِكُمْ وَلَا لَبَسَتْهُ عَلَيْكُمْ، إِنَّمَا اجْتَمَعَ رَأْيُ مَلَائِكَةٍ عَلَى اخْتِيَارِ رَجُلَيْنِ، أَخَذْنَا عَلَيْهِمَا إِلَّا يَتَعَدَّيَا الْقُرْآنَ، فَتَاهَا عَنْهُ وَتَرَكَ الْحَقَّ وَهُمَا يُبَصِّرَانِهِ، وَكَانَ الْجَوْرُ هَوَاهُمَا فَمَضَيَا عَلَيْهِ، وَقَدْ سَبَقَ اسْتِثْنَاؤُنَا عَلَيْهِمَا فِي الْحُكُومَةِ بِالْعَدْلِ وَالصَّمَدِ لِلْحَقِّ سُوءَ رَأْيِهِمَا وَجَوْرَ حُكْمِهِمَا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

واحد تحلیل این بخش نیز کل جمله طویل است. کنش گفتاری غالب، «اظهاری» است. امام در این بخش، به بیان جزئیات بیشتر در مورد حکمیت و چگونگی انتخاب داوران می‌پردازد و مسئولیت انحراف از حکمیت را متوجه داوران می‌داند. در سطح بُعد بیانی، این جمله به معنای این است که امام، هیچ‌گونه خیانت یا فریبکاری در موضوع حکمیت انجام نداده است و انتخاب داوران با رضایت بزرگان قوم بوده است؛ اما داوران از قرآن تجاوز کردند و حق را ترک کردند. در سطح تیت‌ورزانه بُعد بیانی، هدف امام، رفع اتهامات خوارج و نشان‌دادن بی‌گناهی خود در انحراف از حکمیت است. در سطح تأثیرگذار بُعد بیانی، امام می‌خواهد خوارج را متقاعد کند که قضاوت نادرستی در مورد ایشان داشته‌اند. همچنین در این بخش، عنصر «عاطفی» نیز در بیان تأسف و ناراحتی امام از انحراف داوران از حق مشاهده می‌شود.

جدول ۱- تحلیل گفتمان خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه

براساس نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتار	توضیحات
۱	فَإِنْ أَيْبَيْتُمْ إِلَّا أَنْ تَزْعُمُوا أَنِّي أَخْطَأْتُ وَ ضَلَلْتُ، فَلَيْمَ تَضَلَّلُونَ عَامَّةَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآله) بَضَالِي وَ تَأْخُذُونَهُمْ بِحَطَائِي وَ تُكْفِّرُونَهُمْ بِذُنُوبِي؟	ترغیبی	امام با طرح پرسش‌های بلاغی، خوارج را به چالش می‌کشد و به سرزنش رفتار آن‌ها می‌پردازد. هدف، واداشتن خوارج به تفکر درباره تناقض در رفتارشان است. لحن پرسشی و سرزنش‌آمیز نشان‌دهنده نگرانی امام از وضعیت جامعه است.

ردیف	پاره گفتار	نوع کنش گفتار	توضیحات
۲	سُبُوحُكُمْ عَلَى عَوَاتِقِكُمْ تَصْعُقُونَهَا مَوَاضِعَ الْبِرِّ وَالسَّقِيمِ وَتَخْلُطُونَ مِنْ أَذْنَبِ بَمَنْ لَمْ يُذْنِبْ!	اظهاری	امام با توصیف رفتار خوارج، خشونت و بی عدالتی آنها را به تصویر می کشد. هدف، نشان دادن بی رحمی خوارج و تأثیرگذاری بر وجدان آنهاست. لحن سرزنش آمیز، انزجار امام از رفتار خوارج را نشان می دهد.
۳	وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) رَجَمَ الزَّانِيَ الْمُحْصَنَ ثُمَّ صَلَّى عَلَيْهِ ثُمَّ وَرِثَهُ أَهْلُهُ، وَ قَتَلَ الْقَاتِلَ وَ وَرِثَ مِيرَاثَهُ أَهْلُهُ، وَ قَطَعَ [بِذ] السَّارِقِ وَ جَلَدَ الزَّانِيَ غَيْرَ الْمُحْصَنِ ثُمَّ قَسَمَ عَلَيْهِمَا مِنَ الْفَيْءِ وَ نَكَحَا الْمُسْلِمَاتِ؛	اظهاری	امام با اشاره به سیره پیامبر، به خوارج یادآوری می کند که حقوق اجتماعی مجرمان حتی پس از مجازات حفظ می شد. هدف، ارائه الگوی رفتاری صحیح و دعوت خوارج به پیروی از سیره نبوی است.
۴	فَأَخَذَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) بِذُنُوبِهِمْ وَ أَقَامَ حَقَّ اللَّهِ فِيهِمْ وَ لَمْ يَمْنَعْهُمْ سَهْمَهُمْ مِنَ الْإِسْلَامِ وَ لَمْ يُخْرِجْ أَسْمَاءَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَهْلِهِ.	اظهاری	امام با تأکید بر رویکرد عادلانه پیامبر، خوارج را به تفاوت میان سیره پیامبر و رفتار افراطی خودشان متوجه می کند. هدف، هدایت خوارج به سمت سیره پیامبر و اصلاح رفتارشان است.
۵	ثُمَّ أَنْتُمْ شَرَّاءُ النَّاسِ وَ مَنْ رَمَى بِهِ الشَّيْطَانُ مَرَامِيَهُ وَ صَرَبَ بِهِ تَبِيهَهُ.	عاطفی (ابرازی)	امام با استفاده از عباراتی مانند "شرار الناس"، انزجار خود را از خوارج ابراز می کند و رفتار آن ها را نکوهش می کند. هدف، نشان دادن مذمت رفتار خوارج و تأکید بر گمراهی آن ها توسط شیطان است.
۶	وَ سَيَهْلِكُ فِي صِنْفَانِ: مُحِبٌّ مُفْرِطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ، وَ مُبْغِضٌ مُفْرِطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ ...	اظهاری و ترغیبی	امام با بیان خطر افراط در دوستی و دشمنی، مخاطبان را به میانه روی و پیروی از جماعت دعوت می کند. هدف، حفظ وحدت و جلوگیری از تفرقه در جامعه اسلامی است.
۷	أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَاقْتُلُوهُ، وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ.	ترغیبی (دستوری)	امام با قاطعیت دستور به مقابله با فتنه افکنان خوارج می دهد. هدف، جلوگیری از گسترش فتنه و تأکید بر عدالت و بی طرفی در اجرای احکام است.
۸	فَإِنَّمَا حُكْمُ الْحَكَمَانِ لِيُحْيِيَا مَا أَحْيَا الْقُرْآنُ وَ يُمَيِّتَا مَا أَمَاتَ الْقُرْآنُ ...	اظهاری و تعهدی	امام هدف از پذیرش حکمت را توجیه کرده و پابندی خود به قرآن را نشان می دهد. هدف، رفع شبهات خوارج و اثبات تصمیم صحیح در پذیرش حکمت برای حفظ وحدت مسلمانان است.
۹	فَلَمْ آتِ لَا أَبَا لَكُمْ بُجْرًا وَ لَا خَتَلْتُكُمْ عَنْ أَمْرِكُمْ ...	اظهاری	امام با بیان جزئیات حکمت و مسئولیت انحراف داوران، بی گناهی خود را اثبات می کند. هدف، رفع اتهامات خوارج و نشان دادن صداقت و عدالت در تصمیم گیری های خود است.

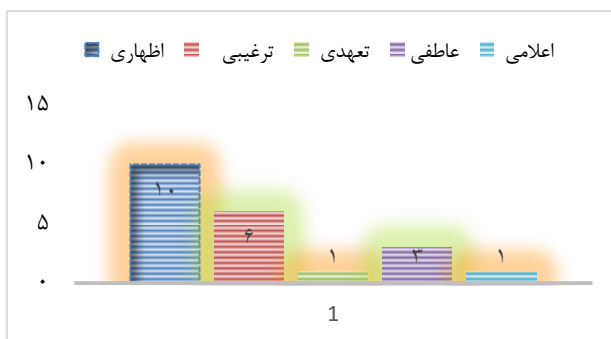
جدول شماره (۱) تحلیل کنش های گفتاری در بخش هایی از خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه براساس

نظریه سرل را نشان می‌دهد. هر بخش گفتاری (واحد تحلیل) از نظر کنش غالب (اظهاری، ترغیبی، عاطفی)، بُعد بیانی (نحوه بیان)، بُعد نیت‌ورزانه (هدف گوینده) و بُعد تأثیرگذار (تأثیر مورد انتظار بر مخاطب) بررسی شده است. هدف نهایی، واکاوی استراتژی‌های ارتباطی امام علی (ع) در مواجهه با خوارج است.

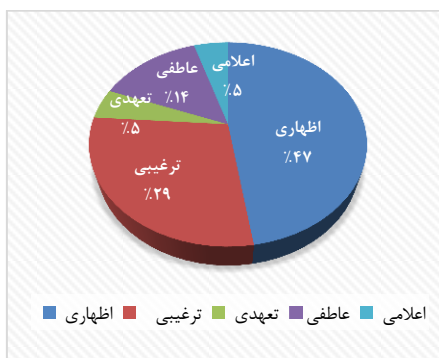
جدول ۲- فراوانی کنش‌های گفتاری خطبه ۱۲۷ نهج‌البلاغه

کنش‌های گفتاری	فراوانی	درصد
اظهاری	۱۰	47.6
ترغیبی	۶	28.6
تعهدی	۱	4.8
عاطفی	۳	14.3
اعلامی	۱	4.8
جمع کل	۲۱	100

در نگاهی دیگر می‌توان نتایج جدول (۲) را به‌صورت نمودار نمایش داد.



نمودار ۱- مقایسه فراوانی کنش‌های مختلف گفتاری در خطبه ۱۲۷



نمودار ۲- مقایسه درصد فراوانی کنش‌های مختلف گفتاری در خطبه ۱۲۷

۳. نتیجه گیری

با توجه به پرسش اول پژوهش مبنی بر اینکه متن خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه به عنوان یک گفتمان، چگونه براساس نظریه کنش گفتاری سرل، تحلیل و بررسی می شود؟ باید اذعان داشت زبان شناسی، کاربردشناسی زبان، و نظریه های مطرح در آن، از جمله نظریه کنش گفتاری، می توانند در معناشناسی و تحلیل گفتمان زبانی متون دینی، همچون نهج البلاغه، به عنوان یک گفتمان دینی و مذهبی، چشم اندازهای نوینی را فراروی ما قرار دهند. به همین منظور، خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه، که به ماجرای خوارج اشاره دارد، به عنوان نمونه انتخاب شد تا براساس این نظریه مورد تحلیل قرار گیرد. نکته قابل توجه آن است که در این نظریه، مبنای تحلیل و بررسی، «پاره گفتار» است. حال آنکه، پاره گفتار می تواند عبارت هایی چند، یک عبارت یا یک واژه باشد. واکاوی پاره گفتارهای این خطبه، به عنوان نمونه ای از کلام امیرالمؤمنین (ع) در کتاب ارزشمند نهج البلاغه، آن هم براساس طبقه بندی پنج گانه سرل، یافته هایی را برجای نهاده است که در ذیل به آنها اشاره می شود.

در رابطه با پرسش دوم پژوهش، مبنی بر اینکه کدام یک از انواع کنش های گفتاری در آن از فراوانی بیشتری برخوردار است؟ گفتنی است از مجموع ۲۱ پاره گفتار دسته بندی شده در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه، ۱۰ مورد آن حامل کنش گفتاری اظهاری بوده است. به عبارت دیگر، ۴۷/۶ درصد از کل کنش های گفتاری را به خود اختصاص داده که این مطلب، حاکی از آن است که پرسامدترین کنش گفتاری مطرح در خطبه ۱۲۷، کنش اظهاری با ۴۷/۶ درصد است. دومین کنشی که از بسامد بالاتری در خطبه برخوردار است، کنش ترغیبی است؛ به طوری که ۶ مورد، معادل ۲۸/۶ درصد از مجموع کل پاره گفتارها را شامل می شود. کنش گفتاری عاطفی با فراوانی ۳ مورد و ۱۴/۳ درصد، و کنش های گفتاری تعهدی و اعلامی، هریک با فراوانی ۱ مورد و ۴/۸ درصد، کمترین بسامد را به خود اختصاص داده اند.

در رابطه با پرسش سوم پژوهش، «دلایل بسامد بالا یا پایین کنش های گفتاری در سطح خطبه کدام است و تا چه حد با روح خطبه همخوانی دارد؟»، می توان اینگونه بیان کرد که هدف اصلی امام (ع) در این خطبه، تبیین و تشریح موضع خود در قبال حکمیت و پاسخگویی به شبهات خوارج است. بنابراین، کنش گفتاری اظهاری، با هدف و مقصود امام متناسب و همگون است و بدیهی می نماید که بیشترین بسامد را دارا باشد؛ که از لحاظ فراوانی، تفاوت قابل ملاحظه ای نسبت به سایر کنش های گفتاری دارد. اما در خصوص دیگر کنش ها، باید اذعان داشت که با عنایت به اینکه امام (ع) در پی نصیحت و هدایت خوارج و بازگرداندن آنها به مسیر حق و جلوگیری از تفرقه افکنی است؛ لذا، کنش ترغیبی در سطح خطبه، نسبت به کنش های گفتاری دیگر و پس از کنش گفتاری اظهاری، از

بیشترین بسامد برخوردار است.

احساسات و عواطف امام علی(ع) در خطبه ۱۲۷ نسبت به انحرافات و افراط‌گرایی خوارج به وضوح قابل مشاهده است و برخی عبارات به طور ضمنی، بار عاطفی دارند. به عنوان مثال، دستور پایانی ایشان مبنی بر کشتن هر فردی که شعار خوارج را ترویج می‌دهد («أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَاقْتُلُوهُ...»)، نشان‌دهنده انزجار و هشدار ایشان در مقابل فتنه‌انگیزی و تفرقه‌افکنی است. بنابراین، فراوانی نسبی کنش‌های عاطفی در خطبه با محتوای کلی آن همخوانی دارد. همچنین، کنش‌های تعهدی بیشتر در زمینه تأکید بر پابندی به قرآن و عمل به احکام الهی دیده می‌شود. اما کنش‌های اعلامی، هرچند در برخی عبارات به احکام الهی اشاره می‌کنند، اما صرفاً گزارشی از این احکام هستند، و نه اعلام آنها؛ زیرا گوینده، خود عامل یا متأثر از این احکام نیست. در نهایت، باید توجه داشت که در تحلیل کنش‌های گفتاری، منظر گوینده (گوینده محوری)، نقش اساسی دارد. بنابراین، دستور کشتن دعوت‌کنندگان به شعار خوارج، تنها نمونه کنش اعلامی در این خطبه است و به همین دلیل، کمترین فراوانی را دارد.

همانطور که تحلیل پاره‌گفتارهای منتخب در بخش پیشین نشان داد، کلام امام علی(ع) در خطبه ۱۲۷، نمونه‌ای برجسته از کاربرد هدفمند و بلاغی زبان است؛ که با چارچوب نظریه کنش گفتاری جان سرل قابل تحلیل عمیق است. تحلیل این خطبه با تأکید بر ابعاد سه‌گانه کنش گفتاری و انواع پنج‌گانه سرل، نشان داد که چگونه امام(ع) با استفاده از کنش‌های مختلف (به‌ویژه اظهاری و ترغیبی با بسامد بالا)، اهداف ارتباطی خود شامل تبیین موضع، پاسخ به شبهات، سرزنش، ترغیب به اعتدال و وحدت، و صدور احکام قاطع را دنبال می‌کنند. مواردی همچون کاربرد کنش‌های ضمنی در پرسش‌های بلاغی، همزمانی چندین کنش در یک پاره‌گفتار، و نقش اقتدار گوینده در نیروی ایلوکوشنری کنش‌ها، همگی مؤید آن است که زبان در لسان امیرالمؤمنین(ع)، به گونه‌ای عمل می‌کند که نظریه کنش گفتاری، ابزاری مناسب برای واکاوی لایه‌های عمیق معنا و بلاغت آن است و این خود نشان‌دهنده «مسبوق به سابقه» بودن چنین کاربردهای پیچیده و هدفمندی از زبان در کلام ایشان است. این پژوهش با تمرکز بر تحلیل عمیق خطبه ۱۲۷، نه تنها خلأ پژوهشی در این زمینه را پر می‌کند؛ بلکه پتانسیل بالای نظریه سرل را برای تحلیل سایر متون نهج البلاغه و فهم استراتژی‌های ارتباطی امام علی(ع) برجسته می‌سازد و افق‌های جدیدی را برای تحقیقات آینده می‌گشاید.

منابع

- آلام، کر (۱۳۸۲). *نشانه‌شناسی تئاتر و درام*. ترجمه فرزانه سجودی. تهران: قطره.
- احمدی‌زاده، علیرضا؛ امینی، علی اکبر؛ منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۴۰۱). تحلیل ساختاری و سبکی نامه دهم نهج البلاغه براساس نظریه کنش گفتار جان سرل. *زبان‌شناسی اجتماعی*، ۵(۲)، ص ۷۱-۸۰.
- البرزی، پرویز (۱۳۹۲). *مبانی زبان‌شناسی متن*. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
- بشارتی، فاطمه؛ غفوری‌فر، محمد، سالمی، مالک (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل سبک‌شناسی تطبیقی خطبه ۲۷ و نامه ۲۸ نهج البلاغه (مطالعه موردی لایه نحوی). *دراسات حدیثیه فی نهج البلاغه*، ۴(۲)، ص ۶۹-۸۱.
- بشیر، حسن؛ رجبی، محسن؛ تالی طبسی، مرضیه (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان آیه تبلیغ در خطبه غدیر به روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام. *مطالعات قرآن و حدیث*، ۱۳(۲)، ص ۱۰۷-۱۲۸.
- بلاذری، احمد (۱۴۱۷ق). *جمل من أنساب الأشراف* به کوشش محمد حمیدالله. قاهره، ج ۳.
- بلاوی، رسول؛ ماهوزی، زهرا (۱۳۹۸). کاربست الگوهای تحلیل کنش‌های کلامی امام علی (ع) در نهج البلاغه. *دانش سیاسی*، ۱۵(۲)، ص ۳۶۹-۳۸۸.
- حسینی معصوم، محمد؛ رادمرد، عبدالله (۱۳۹۴). تأثیر بافت زمانی- مکانی بر تحلیل کنش گفتار: مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم. *جستارهای زبانی*، ۶(۳)، ص ۶۵-۹۲.
- زودرنج، صدیقه؛ اربطی مقدم، شیرین (۱۴۰۱). واکاوی خطبه شقشقیه با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی. *پژوهشنامه نهج البلاغه*، ۱۰(۳۷)، ص ۱۱۵-۱۳۹.
- سجادی، مرضیه سادات (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل گفتمان ادبی خطبه چهارم نهج البلاغه. *پژوهش‌های زبان عربی*، ۵(۳)، ص ۹-۲۷.
- سهرابی، صادق؛ صالح‌نیا، یحیی (۱۴۰۲). بررسی نقش تناصح و تعاون به عنوان پیشران جامعه صالح در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه. *پژوهش‌های مهدوی*، ۴۷(۱۲)، ص ۱۲۵-۱۳۹.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۷). *درآمدی بر معناشناسی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- عبدالله‌زاده آرانی، رحمت‌الله (۱۳۹۹). تحلیل نگرش امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه به دنیا و مواهب آن براساس شواهد قرآنی. *دراسات حدیثیه فی نهج البلاغه*، ۳(۲)، ص ۶۳-۷۵.
- عزیزخانی، مریم؛ شاملی، نصرالله (۱۴۰۰). تحلیل گفتمان انتقادی در نهج البلاغه براساس نظریه فرکلاف (مطالعه موردی توصیف ناکشن). *پژوهشنامه نهج البلاغه*، ۹(۳۶)، ص ۲۱-۳۷.
- فضانالی، سیده مریم؛ نگارش، محمد (۱۴۰۳). تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری. *علوم قرآن و حدیث*، ۴۳(۱).
- قنبری، حمید؛ پروین، نورالدین (۱۳۹۶). بررسی رابطه بافت متن و موقعیت در خطبه‌های نهج البلاغه از دیدگاه تحلیل گفتمان ادبی (مطالعه موردی جنگ صفین). *مطالعات ادبی متون اسلامی*، ۲(۷)، ص ۳۳-۵۴.
- کاظمی، فروغ (۱۳۹۳). جستاری در نهج البلاغه از منظر نظریه زبانی کارگفت. *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، ۲۰(۵۵)، ص ۷-۳۸.
- گراوند، مجتبی؛ ولوی، علی محمد؛ نظرزاده، زهرا (۱۴۰۱). تحلیل گفتمان انتقادی عدالت توزیعی در سیره علوی (ع) با تکیه بر نامه ۵۳ نهج البلاغه. *پژوهش‌نامه علوی*، ۱۳(۲۵)، ص ۲۹۳-۳۲۰.

- محسنی، علی‌اکبر؛ پروین، نورالدین (۱۳۹۶). بررسی گفتمان انتقادی در نهج‌البلاغه براساس نظریه نورمن فرکلاف (مطالعه موردی توصیف کوفیان). *پژوهش‌نامه علمی*، ۶(۱۲)، ص ۱۳۳-۱۵۵.
- محض، مرضیه؛ کوچک‌یزدی، زهره (۱۳۹۹). تحلیل کنش گفتار ترغیب در خطبه قاصعه. *مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت*، ۶(۳)، ص ۶۳-۹۲.
- موسوی بفرونی، سید محمد؛ زارع زردینی، احمد؛ زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان انتقادی نامه ۶ نهج‌البلاغه با الگوگیری از روش فرکلاف. *دراسات حدیثیه فی نهج‌البلاغه*، ۳(۲)، ص ۴۹-۶۲.
- میرهاشمی، مرتضی و همکاران (۱۳۹۷). تحلیل مضمون‌های تعلیمی گلستان بر بنیاد نظریه کنش گفتار سرل. *پژوهش‌های ادبی*، ۱۵(۶۰)، ص ۱۴۱-۱۷۶.
- نجفی ایوکی، علی؛ رسول‌نیا، امیرحسین؛ کاوه نوش‌آبادی، علیرضا (۱۳۹۶). تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه براساس نظریه کنش گفتاری سرل. *پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه*، ۵(۱۹)، ص ۲-۱۷.
- نجفی ایوکی، علی؛ محمودی، فاطمه؛ صیادی‌نژاد، روح‌الله (۱۴۰۲). تحلیل گفتمان انتقادی خطبه ۱۰۸ نهج‌البلاغه براساس مربع ایدنولوژیک ون دایک. *کتاب‌قیم*، ۱۳(۲۹)، ص ۲۲۱-۲۴۰.
- نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ق). *وقعة صفین*. انتشارات مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- یول، جی (۱۳۷۴). *نگاهی به زبان: مطالعه زبان‌شناسی*. ترجمه نسرین حیدری. تهران: سازمان سمت.
- Al-Aad i, N.M. (2023). A Pragmatic Approach to Translating Speech Acts in Religious Discourse. *Al-ameed journal*, 12(2).
- Aruan, A.K. (2017). Surat Jerami di Meja Austin: Penggunaan Speech Act Theory Sebagai Usaha Pembacaan Efektif Ujaran formatif dalam Surat Yakobus. *Indonesian Journal of Theology*, 4(2), p. 257-279.
- Austin, J.L. (1962). *How to Do Things with Words*. Oxford: Oxford University Press.
- Botha, J.E. (1991). Speech Act Theory and New Testament Exegesis. *HTS*, 47(2).
- Brown, C. (2009). *The Death of Christian Britain: Understanding Secularization 1800–2000*. (Second edition). London: Routledge.
- Caldas-Coulthard, C. & Coulthard, M. (Eds.). (1996). *Texts and Practices: Readings in Critical Discourse Analysis*. London & New York: Routledge.
- Chattopadhyay, P. (2024). Speech Act Theory in Visual Narratives: An Analysis of Communication through Sequential Art. *Gipan*, 6(1).
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. Oxford: Polity Press.
- Grant, D., Hardy, C., Oswick, C. & Putnam, L. (Eds.). (2004). *Organizational Discourse: Exploring the Field*. In: *The Sage Handbook of Organizational Discourse* (pp. 483–505). London – Thousand Oaks: Sage Publications.
- Heather, N. (2000). *Religious Language and Critical Discourse Analysis: Ideology and Identity in Christian Discourse Today*. Oxford: Peter Lang.
- Hjelm, T. (2011). *Discourse Analysis*. In: *The Routledge Handbook of Research Methods in the Study of Religion* (pp. 134–150), edited by Michael Stausberg Steven Engle. London: Routledge.

- Holstein, J. & Gubrium, F. (2005). *Interpretative Practice and Social Action*. In: *Sage Handbook of Qualitative Research* (pp. 483–505), edited by N. Denzin & Y. Lincoln. Thousand Oaks: Sage Publications.
- Jørgensen, M. & Phillips, L. (2002). *Discourse Analysis as Theory and Practice*. London: Sage Publications.
- Saifudin, A. (2019). Teori Tindak Tutur dalam Studi Linguistik Pragmatik. *LITE*, 15(1).
- Searle, J.R. (1999). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. New York and Melbourne: Cambridge University Press.
- Searle, J.R. (2001). *Expression and Meaning: Studies in the Theory of Speech Acts*. Beijing: Foreign Language Teaching and Research Press.
- Shao, L. (2024). Analysis of A Dream of Red Mansions Character Dialogue Based on Speech Act Theory. *International Journal of Social Sciences and Public Administration*, 2(3). <https://doi.org/10.62051/ijsspa.v2n3.19>
- Vanderveken, D., & Kubo, S. (Eds.). (2002). *Essays in speech act theory*. John Benjamins Publishing Company.
- Verschueren, J. (2003). *Understanding Pragmatics*. London: Arnold.
- von Stuckrad, K. (2010). Reflections on the Limits of Reflection: An Invitation to the Discursive Study of Religion. *Method and Theory in the Study of Religion*, 22(2–3), p.156–169.
- Wetherell, M. (2001). *Debates in Discourse Research*. In: *Discourse Theory and Practice: A Reader*, edited by M. Wetherell & et al.
- Wijzen, F. (2013). Discourse Analysis in Religious Studies. *Religion*, 43(1), p.1-3.
- Wuthnow, R. (2011). Taking Talk Seriously: Religious Discourse as Social Practice. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 50(1), p. 1–21.
- Yule, G. (1996). *Pragmatics*. New York: Oxford University Press.
- Zou, L. & Zhu, Y. (2022). Review of Research on Development of Speech Act Theory and Its Application. *International Journal of Linguistics, Literature and Translation*, 5(12).